

## گستره عصمت انبیاء و عدم تعارض آن با علم آنها از دیدگاه شیخ مفید (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

مالک عبدیان کردکندی<sup>۱</sup>

سید علی علم‌الهدی<sup>۲</sup>

### چکیده

شیخ مفید، همگام با سایر متفکران اسلامی، انبیای الهی را به اعتبار بُعد نظری یعنی در ادعای نبوت، دریافت، حفظ و تبلیغ وحی معصوم می‌داند و صدور هیچ گونه معصیتی را در این بُعد از آنان چه سهواً و چه عمداً جایز نمی‌شمارد. به اعتبار بُعد عملی، او معتقد است تمامی انبیای الهی از هر گونه گناه کبیره و صغیره، خطا و نسیان در تشخیص مصالح و مفاسد امور، موضوعات احکام دینی، عبادات و نیز در امور عادی و نفرت‌آور معصوم‌اند، اما در مورد عموم انبیاء به جز پیامبر اسلام ممکن است قبل از بعثت برخی گناهان صغیره غیر عمدی که باعث استخفاف یا بی‌اعتباری آنان نشود از ایشان صادر شده باشد. از طرف دیگر، شیخ مفید انبیاء را عالم به احکام دین و آگاه به آثار و عواقب آنها می‌داند. شبهه‌ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که اعتقاد به علم انبیاء بر عواقب و آثار معاصی با اعتقاد به جواز صدور آنها ناسازگارند. اما به نظر می‌رسد بتوان بر اساس اصل فلسفی تشکیکی بودن حقیقت علم و عصمت و همچنین تأکید دلایل نقلی بر درجات انبیاء، تعارض بدوی در نظریات شیخ مفید درباره علم و عصمت انبیاء را برطرف ساخت.

### کلیدواژه‌ها

شیخ مفید، عصمت انبیاء، گناه صغیره، گناه کبیره

۱. مربی گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران. (نویسنده مسئول)

(abdiyan.malik@gmail.com)

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران. (alamolhoda@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

آموزه «عصمت انبیاء و ائمه اطهار» (علیهم السلام) از جمله مسائل مهم و مطرح در فلسفه دین و الهیات است که در بین متکلمان پیرامون تعریف و گستره و حدود آن اختلاف نظر دیرینه وجود دارد. دودستگی نصوص و شواهد دینی در این باب، که در برخی از آنها پیامبران و امامان معصوم معرفی شده و در برخی دیگر صدور بعضی خطاها و نسیان از آن بزرگواران جایز دانسته شده است، مانند روایت شیخ طوسی درباره سهو پیامبر اکرم (ص) در تعداد رکعات نماز (شیخ طوسی ۱۳۶۵، ۲: ۱۸۰)، موجب شده گستره و دامنه عصمت معركة آرای اندیشمندان مسلمان باشد. برخی پرسش‌های مطرح در این باب بدین قرار است:

۱. عصمت انبیاء و پیشوایان دینی به کدام دوره حیات آنها مربوط می‌شود؟
  ۲. آیا انبیاء و امامان معصوم تنها از معاصی کبیره معصوم‌اند یا از صغائر نیز منزه‌اند؟
  ۳. آیا پیامبر در امور عادی نیز مرتکب سهو و خطا می‌شود یا خیر؟
- یکی از بزرگان امامیه که در کتب متعدد خویش مسئله عصمت و دامنه آن را به تفصیل آورده است محمد بن محمد بن نعمان، ملقب به شیخ مفید (ره)، متولد ۳۳۶ ق. است. او در اکثر کتب خویش به ویژه *اوائل المقالات و تصحیح الاعتقادات الامامیه* به مسئله عصمت پرداخته است. مقاله حاضر می‌کوشد، با روش کتابخانه‌ای، گستره و ابعاد عصمت انبیاء را از دیدگاه شیخ مفید (ره) بازخوانی کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا میان نظریه شیخ مفید درباره علم انبیاء و ائمه اطهار (ع) با نظریه او درباره عصمت آنان تعارض وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود تعارض، راه‌حل آن چیست؟ آنچه وجود تعارض را به ذهن تداعی می‌کند این است که شیخ مفید، از یک طرف، معتقد است انبیای الهی به احکام الهی و آثار و عواقب اعمال انسان علم و آگاهی دارند و، از طرف دیگر، به رغم قول وی بر عدم جواز سهو و خطا در انبیاء، صدور معاصی صغیره غیر عمد از آنان را جایز می‌داند. برای پاسخ به این پرسش، پس از بیان رابطه عصمت با «قاعدۀ لطف» از نظر شیخ مفید، دیدگاه او درباره گستره عصمت انبیاء، به اعتبار نظر و عمل، به اعتبار سهوی و عمدی بودن فعل، و به اعتبار زمان قبل و بعد از عصمت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. آنگاه به دلایل عقلی و نقلی مطرح شده از سوی شیخ مفید بر عصمت انبیاء می‌پردازیم و این ادله ارزیابی خواهد شد. در خصوص «گستره عصمت انبیاء و امامان

علیهم السلام» مقالات متعددی نوشته شده است، که از آن جمله است مقاله علی پرمی و علیرضا پارسا، «گستره عصمت انبیاء از دیدگاه فخر رازی»، اما تاکنون تحقیقی که به طور خاص و تفکیک شده ابعاد و دامنه عصمت انبیاء را از دیدگاه شیخ مفید (ره) بررسی کند به رشته تحریر درنیامده است. بنابراین، در نوشتار حاضر سعی شده تا این کاستی در پژوهش‌های موجود جبران شود.

## ۲. عصمت و رابطه آن با «قاعده لطف» از نظر شیخ مفید

در دیدگاه متکلمان، «لطف» آن چیزی است که برای تحقق غرض و هدف خداوند در آفرینش ضروری است. به بیان دیگر، هر فعلی که انجام آن توسط خداوند در فراهم ساختن زمینه‌های هدایت و خیر و صلاح بشر مؤثر باشد و با اصل اختیار و آزادی بشر و فلسفه تکلیف منافات نداشته باشد، به مقتضای حکمت الهی، تحقق آن واجب و لازم است و خداوند هرگز آن را ترک نخواهد کرد (علامه حلی ۱۴۱۷، ۴۴۴). به نظر آنها عصمت انبیاء و ائمه اطهار (ع) مثل نبوت و امامت آنان از روشن‌ترین و برجسته‌ترین مصادیق لطف الهی به شمار می‌رود. زیرا تحقق غرض خداوند متعال یعنی هدایت انسان‌ها را تسریع می‌کند و زمینه سعادت مکلفین را فراهم می‌سازد. علامه حلی می‌نویسد: «بر خلاف نظر اشاعره، لطف بر خداوند واجب است دلیل وجوب آن این است که به وسیله آن غرض مکلف حاصل گردد و اگر لطف وجود نداشته باشد نقض غرض پیش می‌آید»<sup>۱</sup> (علامه حلی ۱۴۱۷، ۴۴۴). کسانی که عصمت را لطف می‌دانند با قرار دادن «وجوب لطف» به عنوان یک قاعده کلیدی در کبرای قضیه، «وجوب عصمت» را در حق انبیاء و امامان معصوم نتیجه می‌گیرند و می‌گویند:

۱. عصمت لطف است.

۲. لطف واجب است.

۳. پس، عصمت واجب است.

به نظر این بزرگان، تحقق غرض آفرینش انسان (رسیدن به کمالات انسانی) مبتنی بر تحقق لطف است. بنابراین ترک لطف موجب ترک غرض است و ترک غرض بر خداوند حکیم قبیح و ناروا است. شیخ مفید در باب لزوم و وجوب لطف دو بیان متفاوت دارد. او در النکت الاعتقادیه، در پاسخ این سؤال که «به چه دلیل لطف بر خداوند واجب

است؟» می‌گوید «جواب این است که تحقق غرض تکلیف‌کننده (خداوند) متوقف بر آن است. بنابراین بر مبنای اصل حکمت الهی، لطف بر خداوند واجب است» (مفید ۱۴۱۳-ب، ۳۵). اما شیخ در *اوائل المقالات*، دلیل بر وجوب لطف را بخشش و کرم الهی می‌داند (مفید ۱۴۱۳-الف، ۱۶). به نظر او، ذات الهی تمام و فوق‌التمام است، کرم و بخشش او مقتضای ذات اوست، اگر لطف از او صادر نشود قبیح است. کسانی که عصمت را لطفی از ناحیه خدا و آن را سپری در مقابل معاصی می‌دانند معتقدند که برخورداری انبیاء و ائمه اطهار از چنین لطفی باعث کم‌ارزش یا بی‌ارزش شدن اعمال آنان نمی‌شود، زیرا این دسته از بزرگان معیار اعطای چنین لطفی بر انبیا و ائمه اطهار را علم خدا بر احوال و حالات و ظرفیت وجودی و شایستگی آنان می‌دانند (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ)<sup>۲</sup>.

### ۳. گستره و دامنه عصمت انبیا از نظر شیخ مفید (ره)

به طور کلی، عصمت در سه قلمرو مطرح می‌شود: «عصمت در دریافت، حفظ و تبلیغ وحی»، «عصمت در حوزه گناه و معصیت»، «عصمت خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی»؛ ابعاد دیگر آن نیز به این سه حوزه برمی‌گردند (سیحانی و محمدرضایی ۱۳۹۱، ۲: ۴۳). «عصمت» در تقسیم‌بندی دیگری به سه قسم یعنی «عصمت علمی» (نظری)، «عصمت عملی»، «عصمت از امور نفرت‌آور» تقسیم می‌شود. عصمت علمی می‌تواند دارای انواع زیر باشد:

۱. عصمت در اصل ادعای نبوت،
  ۲. عصمت در دریافت وحی الهی،
  ۳. عصمت در حفظ و نگهداری وحی،
  ۴. عصمت در ابلاغ و تفسیر وحی به مردم،
  ۵. عصمت از اشتباه در تشخیص مصالح و مفاسد امور،
  ۶. عصمت از خطا در تطبیق شریعت،
  ۷. عصمت از خطا و اشتباه در امور عادی.
- عصمت عملی نیز به انواع متعددی قابل تقسیم است:
۱. عصمت از ترک واجب و ارتکاب حرام،

۲. عصمت از مکروه، ترک اولی و ترک مستحب،

۳. عصمت در عمل به مفاد وحی در حوزه مسائل فردی و اجتماعی،

۴. عصمت از خطا و اشتباه در امور عادی.

اما عصمت به اعتبار گستره زمانی، به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱. عصمت از گناه قبل از بعثت،

۲. عصمت از گناه بعد از بعثت.

اگر عصمت در تمام ابعاد نظری و عملی تحقق یابد از آن به «عصمت تام» یاد می‌شود که عموم علمای امامیه در باب انبیای عظام و ائمه اطهار (ع) و حضرت زهرا (س) به چنین عصمتی معتقدند (مفید ۱۴۱۳-الف، ۱۶۵). اما بالاترین رتبه عصمت تام «عصمت مطلق و اتم» است که حتی ترک اولی را هم شامل می‌شود. شیخ مفید این درجه نهایی را مربوط به پیامبر اکرم (ص) می‌داند و با استناد به آیات و روایات متواتر آن حضرت را به طور مطلق از تمام اقسام معاصی مذکور و نیز از هر نوع خطا و اشتباه، چه به عمد و چه به سهو، منزّه و مبرا می‌داند (مفید ۱۴۱۳-ج، ۱۰۳-۱۰۴). در جای دیگر، شیخ مفید، با اعتمادی مثال‌زدنی و استناد به قرآن و شواهد و دلایل محکم عقلی و نقلی که در باب فضیلت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار رسیده است، عصمت آنان را جدای از عصمت انبیای دیگر معرفی می‌کند و بین آنها و انبیای دیگر تفاوت قائل می‌شود. به نظر او پیامبر اکرم (ص) به طور خاص و ذریه او علیهم السلام به خاطر فضایل و شرافت و تقدمشان بر دیگران مرتکب هیچ کبیره و صغیره سهوی و عمدی پس از نبوتشان و امامتشان نشده‌اند (مفید ۱۴۱۳-ج، ۱۰۳).<sup>۳</sup>

### ۱-۳. گستره عصمت انبیا به اعتبار بعد نظری (علمی) و عملی

شیخ مفید به اعتبار بعد نظری، همانند تمام متکلمان اسلامی، معتقد به عصمت انبیاء به نحو مطلق است. به تعبیر دیگر، او انبیای الهی را در ادعای نبوت، دریافت وحی، حفظ و تبلیغ و تفسیر آن معصوم می‌داند و از آنان هیچ گونه خطایی را چه از روی سهو و چه عمد جایز نمی‌شمارد. به نظر او این مرحله از عصمت مورد توافق و اجماع تمام علمای امامیه است: «همانا از پیامبر جایز نیست در اموری از امورات دینی مرتکب سهو و اشتباهی شود و یا حکمی از احکام الهی را فراموش نماید و این مطلب اعتقاد مذهب امامیه است»<sup>۴</sup> (مفید ۱۴۱۳-الف، ۶۵).

آنچه از فحوای کلام شیخ استفاده می‌شود این است که واجب است انبیاء از هر گونه نسیان و خطای عمدی و سهوی در تمام مراحل وحی مصون و محفوظ باشند تا غرض و هدف بعثت تأمین شود. همچنین معتقد است تمام انبیای الهی در عمل به شریعت الهی نیز از هر گونه معصیت منزّه‌اند. آنان در رسیدن به پاداش الهی موفق عمل می‌کنند و از صداقت کامل برخوردارند (مفید ۱۴۱۳، و، ۳۱، ۳۲).

عبارات فوق و دیگر جملاقی که در کتب شیخ مفید آمده و همچنین خصوصیتی که او برای پیامبران الهی برمی‌شمارد نشان می‌دهد که او در بُعد نظری تمام زوایای عصمت را در نظر داشته و عصمت در دریافت، حفظ، ابلاغ و نیز عمل به وحی (عمدی و سهوی) را در انبیاء قائل است. در نظر او پیامبران و امامان (ع) حجت‌های الهی روی زمین هستند، خداوند عقول آنان را کامل کرده و از علم و عصمت بهره‌مند شده‌اند. از خصوصیات بارز آنان برخوردار از کمال عقل و هوش در تمام مراحل زندگی حتی قبل از بلوغ است تا در امور مختلف دینی دچار خطا و نسیان نشوند (مفید ۱۴۱۳، د، ۱۳۰).

### ۲-۳. گستره عصمت انبیا به اعتبار صغیره و کبیره بودن فعل، قبل و بعد از بعثت

شیخ مفید در مورد عصمت بعد از بعثت و امامت با مشهور متکلمان امامیه موافق است، که انبیاء و ائمه اطهار را بعد از نبوتشان و امامتشان به صورت مطلق از تمامی معاصی صغیره و کبیره - عمدی یا غیر عمدی - معصوم می‌دانند: «انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام در زمان امامتشان از جمیع معاصی بزرگ و کوچک منزّه و مبرا هستند»<sup>۹</sup> (مفید ۱۴۱۳، د، ۱۲۹).

او گاهی در برخی عباراتش عصمت از معاصی صغیره و کبیره را به تمام دوره حیات انبیاء تعمیم می‌دهد و در این مقام گناه عمدی را از سهوی تفکیک نمی‌کند و با جمهور علمای امامیه هم‌زبان می‌شود<sup>۱۰</sup> (مفید ۱۴۱۳، ب، ۳۹). اما در برخی دیگر از عباراتش زمان قبل و بعد از بعثت و نیز سهوی و عمدی بودن فعل را لحاظ کرده و به تفصیل قائل می‌شود. او نخست گناهان صغیره را به دو قسم تقسیم می‌کند:

۱. گناهانی که فاعل آن با انجام آنها مورد استخاف قرار نمی‌گیرد؛

۲. گناهانی که فاعل آن با انجام آنها مورد استخاف قرار می‌گیرد.

این دو قسم از معاصی نیز می‌توانند به دو صورت عمدی و سهوی انجام گیرند، که در مجموع به چهار قسم تقسیم می‌شوند. شیخ مفید در میان این چهار قسم تنها یک قسم آن

را بر پیامبران و امامان، غیر از پیامبر اکرم (ص)، جایز می‌داند که مراد او همان صغایری است که قبل از بعثت سهواً انجام گرفته و موجب استخفاف و بی‌مایگی آنان نشده است. غیر از اینها صدور هیچ‌گونه نافرمانی را چه سهواً و چه عمدتاً از انبیا جایز نمی‌شمارد (مفید ۱۴۱۳-الف، ۶۵).<sup>۷</sup>

### ۳-۳. گستره عصمت انبیاء به اعتبار عمدی و سهوی بودن فعل

به عقیده علمای امامیه، انبیای الهی از تمامی معاصی کبیره و صغیره، چه از روی عمد و چه سهو، قبل از بعثت و یا بعد از آن معصوم‌اند. در این میان تنها شیخ مفید (بر خلاف اجماع علمای امامیه) در انبیای عظام گناهان صغیره غیر عمدی را که موجب بی‌مایگی آنان نمی‌گردد قبل از بعثت جایز می‌شمارد (مفید ۱۴۱۳-الف، ۶۵)، البته پیامبر اکرم (ص) را مطلقاً معصوم می‌داند. دلیل او بر انحصار این عصمت مطلق به شخص آن حضرت شواهد قرآنی و روایات مأثوره و متواتر از ائمه اطهار است. در این خصوص او می‌نویسد:

از دیدگاه امامیه، تمام پیامبران از انجام گناهان کبیره معصوم‌اند، خواه پیش از نبوت آنها باشد یا پس از آن. همچنین از انجام گناهان کوچکی که انجام‌دهنده آن سبک شمرده می‌شود منزه‌اند، اما گناهان صغیره‌ای که موجب استخفاف و سبکی نشود، پیش از نبوت، بدون عمد، جایز است؛ اما پس از نبوت، ممنوع است. از دیدگاه امامیه، پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله از هنگامی که آفریده شده تا زمانی که به جوار خداوند شتافت، هرگز مرتکب معصیت خداوند نشده، نه از روی عمد و نه از روی فراموشی، همان‌گونه که قرآن و اخبار اهل بیت علیه السلام به صورت متواتر بر این مطلب گواهی می‌دهند. (مفید ۱۴۱۳-الف، ۶۵)

شیخ مفید در عبارت فوق به نظریه خاص خود در باب عصمت یعنی جواز صدور معاصی صغیره سهوی که موجب سبکی فاعل نمی‌شود و نیز جواز ترک مستحبات از انبیاء غیر از پیامبر اکرم و ائمه اطهار اشاره کرده و با این نظریه از جمهور متکلمان امامیه فاصله می‌گیرد.

### ۳-۴. گستره عصمت انبیا به اعتبار سهو و نسیان در امور دینی و دنیوی

«سهو» در لغت به معنای «غفلت» است (احمد بن فارس ۱۴۱۸، ۴۶۹). این واژه با کلمه «نسیان» متفاوت است؛ نسیان در جایی است که تحقق داشته است، ولی سهو، در چیزی

است که وجود نداشته است (عسکری ۱۴۱۰، ۷۸). به عبارت دیگر، «سهو» به معنای فراموشی و غفلت از یک چیز و رفتن قلب از یک چیز به چیز دیگر است. سهو در نماز، یعنی غفلت کردن نسبت به چیزی که از اجزای نماز است (ابن منظور ۱۴۰۵، ۱۴: ۴۰۶)، اما «نسیان» آن است که انسان محفوظ در ذهن خود را به واسطه ضعف قلب یا غفلت و یا از روی قصد از یاد ببرد تا از قلب او حذف شود و از یادش برود (راغب اصفهانی، ۸۰۳). یکی از ابعاد عصمت انبیاء عصمت از سهو و خطاست که خود انواع متعددی را در بر می‌گیرد، مانند عصمت از خطا و نسیان در عبادات، عصمت از خطا و نسیان در امور عادی، عصمت از خطا و نسیان در دریافت و ابلاغ وحی. به طور کلی، تمامی علمای امامیه، به اجماع، تمام انبیاء را از هر نوع سهو، نسیان و خطا معصوم می‌دانند و در این باره هیچ اختلاف نظری با همدیگر ندارند (طوسی ۱۴۰۷، ۲۱۳). در میان آنها تنها شیخ صدوق و استادش محمد بن حسن بن ولید سهو انبیاء را در مرحله عبادات و عمل به وظایف دینی جایز دانسته و به «اسهائ النبی» قائل شده‌اند. بر طبق این نظر، پیامبر به خودی خود دچار سهو و نسیان نمی‌شود، بلکه گاهی خدای متعال او را دچار فراموشی می‌کند تا حکم سهو در عبادت را بر بندگانش تعلیم دهد (صدوق ۱۳۹۰، ۲۳۴-۲۳۵). شیخ مفید به طور جدی با این دیدگاه مخالفت کرده و آن را دیدگاه حشویه شمرده است. به نظر او پیروان نظریه «سهو النبی» کسانی هستند که تنها به ظواهر بسنده می‌کنند و به دنبال تحقیق و تدبر در متون دینی نیستند (مفید ۱۴۱۳-ب، ۶). بنابراین، شیخ ارتکاب هیچ خطا و سهوی را بر انبیاء جایز نمی‌داند (مفید ۱۴۱۳-ج، ۱۰۴-۱۰۵). به نظر او شواهد و اخبار روایی که شیخ صدوق و استادش در اثبات سهو النبی آورده‌اند و اشاره به آن دارند همگی خبر واحدند و نتیجه علمی ندارند، عمل به آنها بر اساس ظن و گمان است و خداوند از عمل بر اساس گمان نهی فرموده است<sup>۹</sup> (مفید ۱۴۱۳-ح، ۲۰). بنابراین، شیخ مفید تمام انبیاء را از هر گونه خطا و نسیان در امور دینی مانند انجام واجبات و مستحبات، قبل و بعد از نبوتشان، معصوم می‌داند و هیچ سهو و نسیانی را از آنان جایز نمی‌شمارد: «این پیامبر که آن را اثبات کردید آیا معصوم است یا خیر؟ جواب این است که از اول عمر تا آخر عمرش از اشتباه و غفلت معصوم است» (مفید ۱۴۱۳-ب، ۳۷).<sup>۹</sup>

شیخ مفید در باب امور دنیوی و عادی نیز همانند امور دینی قائل به عصمت است. برخی از عبارات در کتب او وجود دارد که مؤید این مطلب‌اند. از باب نمونه در *الجمل* به



فرمایشات و اعمال شخصی انبیاء اشاره کرده و صحت و اعتبار آنها را ناشی از عصمت آنها می‌شمارد و چنین می‌گوید: «عصمت اقتضا می‌کند که تمام گفته‌ها و اعمال شخصی که عصمت برای او ضروری است صحیح باشند» (مفید ۱۴۱۳-ه، ۷۷-۸۵).

### ۳-۵. عصمت انبیاء از ترک مستحبات

مسئله «عصمت از ترک مندوبات» گرچه از برخی روایات قابل استنباط است، در منابع کلامی امامیه، شیخ مفید اولین کسی است که این مسئله را مطرح کرده است (فاریاب ۱۳۸۹، ۱۴۳-۱۷۸). او معتقد است که انبیاء از ترک عمدی مستحبات منزّه‌اند، گرچه ممکن است آنان از روی سهو مستحبی را ترک نمایند، اما چنین سهوی هیچ آسیبی به عصمت آنان نمی‌رساند» (مفید ۱۴۱۳-ج، ۱۰۳-۱۰۴).<sup>۱۰</sup> البته شیخ در مسئله ترک مستحبات نیز پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) را از انبیای دیگر جدا کرده و درباره آنها هیچ گناه صغیره سهوی یا ترک سهوی مندوبی را هم جایز نمی‌داند. تکیه کلام شیخ مفید در این نظر تقدم و شرافت نبی مکرم اسلام (ص) و فضیلت والای آن حضرت است (مفید ۱۴۱۳-ج، ۱۰۳-۱۰۴).<sup>۱۱</sup> شیخ در جای دیگر، گامی دیگر برداشته و گستره عصمت از ترک مندوب را حتی به دوران قبل از رسالت و امامت پیامبر اکرم (ص) و امامت ائمه اطهار (ع) نیز سرایت داده و آنها را پیوسته فرمان‌بردار و مطیع اوامر و نواهی الهی دانسته است (مفید ۱۴۱۳-د، ۱۲۹).<sup>۱۲</sup>

خلاصه نظریات شیخ مفید درباره گستره عصمت انبیاء را می‌توان در جدول ۱

مشاهده کرد.

### ۴. دلایل شیخ مفید بر پیراستگی انبیاء از معاصی

شیخ مفید همانند عموم اندیشمندان اسلامی در اثبات عصمت انبیاء به دلایل نقلی و عقلی روی آورده است. از مهم‌ترین و مشهورترین دلایل عقلی او عبارت است از «حصول اعتماد و اطمینان به تعالیم انبیا» و نیز دلیل «امتناع تسلسل» (مفید ۱۴۱۳-ب، ۴۰).<sup>۱۳</sup> در برهان تسلسل به این نکته اشاره می‌کند که اگر پیامبر و امام معصوم نباشند، به پیامبر و امام دیگری نیاز است تا هدایت و ارشاد دیگران را بر عهده بگیرد و مانع خطای آنان گردد؛ چون وجود نامتناهی انبیاء و ائمه محال است، پس برای دفع تسلسل واجب است که

جدول ۱. گستره عصمت انبیاء نزد شیخ مفید

نظر شیخ مفید (ره)		ابعاد و گستره عصمت انبیاء
عصمت در خصوص پیامبر اکرم (ص)	عصمت در تمام انبیاء بدون لحاظ پیامبر اکرم (ص)	
عصمت واجب است	عصمت واجب است	عصمت انبیاء در ادعای نبوت، دریافت، حفظ و تبلیغ وحی از هر گونه خطای عمدی و سهوی
عصمت واجب است	عصمت واجب است	عصمت انبیاء از تمام گناهان کبیره عمدی یا سهوی، قبل و بعد از بعثت
عصمت واجب است	عصمت واجب است	عصمت از خطا و نسیان در تطبیق شریعت، فتاوی، عبادات و امور عادی قبل از بعثت و بعد از آن
عصمت واجب است	عصمت واجب است	عصمت انبیاء قبل و بعد از بعثت از گناهان صغیره سهوی و عمدی که موجب بی اعتباری آنان می شود
عصمت واجب است	عصمت واجب نیست	عصمت انبیاء قبل از بعثت از گناهان صغیره غیر عمدی که موجب بی اعتباری و استخفاف آنان نمی شود
عصمت واجب است	عصمت واجب نیست	عصمت از ترک مندوبات بدون قصد تقصیر قبل و بعد از بعثت

پیامبر و امام معصوم باشند (مفید ۱۴۱۳-ب، ۴۰). دلیل دیگر شیخ مفید این است که لازمه حجیت، اعتبار و صدق دعوای انبیاء این است که آنان در قول و فعل معصوم باشند تا مکلفان از پذیرش دعوت آنان ابایی نداشته باشند و در نتیجه هدف بعثت و غرض الهی حاصل گردد. غرض از تکلیف الهی در نظر متکلمان امامیه ایصال مکلف به ثواب و قرب الهی است (حلی ۱۳۷۱، ۴۷۰) و این هدف تنها در سایه بعثت و عصمت انبیاء و امامان تضمین می شود. شیخ مفید با این نظریه موافق است که اگر پیامبر یا امام معصوم نباشند، دو حالت پیش می آید: (۱) یا انکار آنها لازم است که این باعث سقوط آنان از مقامشان می شود و در نتیجه نقض غرض پیش می آید؛ (۲) یا انکار آنان لازم نیست که این نیز به معنای نفی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است (مفید ۱۴۱۳-ب، ۴۰). شیخ مفید در دلایل نقلی نیز آیاتی از قرآن کریم را به عنوان نمونه می آورد و از آنها عصمت انبیاء را استنتاج می کند:

قال الله تعالى إن الذين سبقت لهم منا الحسنى<sup>۱۴</sup> الآية و قال سبحانه و لقد اخترناهم على علم على العالمين<sup>۱۵</sup> و قال سبحانه و إنهم عندنا لمن المصطفين الأخيار<sup>۱۶</sup> (خدای متعال می‌فرماید: به یقین آن کسانی که وعده بهشت و نیکوترین پاداش‌ها از سوی ما به خاطر ایمان و عملکرد شایسته خویش داده شده‌اند، و نیز خدای سبحان می‌فرماید: همانا ما آنان را به خاطر علم بر جهانیان (هم زمان خود) برگزیدیم، خدای سبحان می‌فرماید و آنان در پیشگاه ما جداً از برگزیدگان نیکانند. (مفید ۱۴۱۳-د، ۱۲۹).

همچنین شیخ با اشاره به آیه «و النجم اذا هوى ما صاحبكم وما غوى» (النجم: ۳)، صدور هر گونه معصیت را نشانگر نادانی و صدور هر نوع نسیان را علامت ضلالت دانسته است. و روشن است که نمی‌توان انبیاء را متصف به صفت جهل و گمراهی دانست.

## ۵. عدم تعارض نظریه شیخ مفید درباره علم نبی و امام با نظریه او درباره عصمت ایشان

شیخ مفید، در تصحیح اعتقادات الامامیه، انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام را واجد تمام کمالات از جمله علم و عصمت معرفی کرده و این کمالات را به تمام دوران حیات آنها (قبل و بعد از تکلیف) سرایت می‌دهد. به نظر او انبیاء و ائمه اطهار (ع) حجت‌های الهی در زمین هستند و خداوند عقل آنها را کامل کرده است، پس از هر گونه نقص و جهل مبرا هستند. سپس شیخ با این عبارات وجود هر گونه شک و تردید را در باب علم و عصمت آنها نفی می‌کند:

و ليس الى تكذيب الاخبار سبيل و الوجه ان نقطع على كمالهم في العلم و العصمه في الاصول النبوه و الامامه. (راهی برای تکذیب اخبار در این زمینه نیست، بنابراین بهتر است یقین و قطع داشته باشیم به کمال آنها در علم و عصمت در حال نبوت و امامت.) (مفید ۱۴۱۳-د، ۱۳۰)

شیخ مفید در عبارتی دیگر به صراحت بر عصمت و علم تمام پیامبران و امامان بر احکام و علوم دینی اشاره می‌کند و می‌گوید:

امامیه اتفاق نظر دارند بر این که امام باید معصوم و آگاه به تمام علوم و دانش دین باشد و در فضل به کمال رسیده باشد، و از همه مردم در اعمالی که به وسیله آنها استحقاق بهشت را دارد برتر باشد. (مفید ۱۴۱۳-الف، ۳۹)

پرواضح است که عبارت «امام باید معصوم و آگاه به تمام علوم و دانش دین باشد»، علم آنان به آثار و عواقب اعمال را نیز شامل می‌شود، بنابراین بسیار بعید است که شیخ درباره تعالیم دینی، انبیا و ائمه را تنها آگاه به ظواهر و فروع احکام معرفی کند، اما آنان را عالم و آگاه به اسرار و آثار تعالیم دینی نشمارد. درست است که شیخ مفید پیامبران و امامان را عالم به تمام اسرار غیبی نمی‌داند، اما به نظر او وجود علم به احکام دین برای آنها ضروری است (مفید ۱۴۱۳-الف، ۳۹).

بنابراین در نظر شیخ مفید، علم و عصمت از کمالات به شمار می‌روند و در انبیا و امامان ضروری‌اند. اما مسئله اصلی این است که شیخ، از یک طرف، وجود علم و عصمت را ضروری و شرط تحقق نبوت و امامت می‌داند و، از طرف دیگر، صدور برخی معاصی صغیره سهوی که موجب سبکی فاعل نمی‌شود و نیز ترک مستحبات را از ایشان ممکن و جایز می‌داند. حتی در برخی عباراتش در خصوص پیامبر اکرم و امامان معصوم نیز حکم به توقف می‌دهد. این نظریات وجود تناقض در سخنان شیخ را به ذهن القاء می‌کند. اگر انبیا به عواقب و آثار دنیوی و اخروی انجام معاصی و ترک مستحبات علم و آگاهی دارند، چگونه ممکن است مرتکب آنها شوند؟ اگر جواب منفی است، پس شیخ به چه نحو می‌تواند علم و آگاهی را به آنان نسبت دهد؟ ممکن است در ابتدای امر این دو نظریه متعارض به نظر برسند، اما می‌توان احتمالاتی را لحاظ کرد و با سلب احتمالات ضعیف، تعارض ظاهری در نظریات شیخ را مرتفع ساخت.

**احتمال اول** این است که بگوییم به نظر شیخ انبیا ممکن است به خاطر جهل یا غفلت از فضایل و ثواب اعمال مستحبی آنها را ترک کنند یا به عواقب گناه صغیره سهوی‌ای که موجب اسخفاف نمی‌شود آگاه نبوده و در نتیجه مرتکب آن شده باشند.

**احتمال دوم** این است که شیخ گناه صغیره سهوی قبل از تصدی نبوت را که باعث اسخفاف نمی‌شود و نیز ترک مستحب را حقیقتاً معصیت نمی‌شمارد.

**احتمال سوم** این است که شیخ مفید در عصمت انبیا و امامان معصوم هم دلایل نقلی دارد و هم دلایل عقلی. او در دلایل نقلی خود به اخبار و روایاتی استناد می‌کند که تمامی انبیا و ائمه اطهار (ع) را قبل و بعد از تصدی منصب امامت و نبوت از تمامی گناهان معصوم معرفی می‌کنند (مفید ۱۴۱۳-د، ۱۳۰). حال احتمال دارد که شیخ در جاهایی که به عصمت مطلق انبیا از هر گونه معاصی فتوا داده، به دلایل نقلی و اخبار

وارد شده نظر داشته و این روایات جمیع انبیاء را از هر گونه معاصی منزّه معرفی می‌کنند و نظر به نسبت، تخصیص و تمایز آن ندارند. اما در جاهایی که شیخ حکم به توقف داده یا صدور معاصی صغیره سهوی غیر عمدی که موجب استخفاف صاحب آن نمی‌شود یا ترک مستحبی از انبیاء را جایز دانسته مراد او حکم عقل بوده است.

**احتمال چهارم** نیز این است که شیخ خواسته تا بر اساس «تشکیکی بودن حقیقت عصمت و علم» به تبیین گستره عصمت بپردازد، و بین انواع معاصی و درجات انبیاء تمایز قائل شود. بر اساس اصول مسلم فلسفی عصمت صفت وجودی است و وجود دارای مراتب تشکیکی است. عصمت از علم و اراده سرچشمه می‌گیرد و بین علم و عصمت ارتباط و تلازم تنگاتنگ وجود دارد. هر چه علم و آگاهی از اسرار و حقایق عالم و ظرفیت و سعۀ وجودی پیامبر بیشتر باشد، به همان میزان به درجات بالاتر و عالی‌تر عصمت نائل می‌شود. به گفته علامه مرتضی مطهری، وقتی عصمت پیامبر بسط و انبساط بیشتری می‌یابد، علم نافذ و غفلت‌زدای او، او را از گناه و حتی خطا و اشتباه بیمه می‌کند؛ زیرا پیامبر به جای ارتباط با صورت‌های اشیاء با خود واقعیت ارتباط و اتصال پیدا می‌کند، در نتیجه از هر گونه گناه و اشتباه مصون می‌ماند (مطهری ۱۳۷۵، ۱۳). چنین علم و آگاهی و ارتباطی در انبیای اولوالعزم بیشتر است و در میان آنان اوج انبساط عصمت به پیامبر اکرم (ص) تعلق دارد؛ زیرا کامل‌ترین خصوصیات عصمت و نشان سروری انبیاء را داراست، همان طور که خود آن حضرت فرمود: «من سرور انبیاء می‌باشم و بر کسی فخر نمی‌فروشم» (مفید ۱۴۱۳-ز، ۸۴). آن حضرت، به لحاظ طینت پاک و مظهریت اسم اعظم حق، دارای «عصمت کبری» و مقام خاتمیت است و بالاصاله، در اندیشه و عمل، عصمت را داراست (موسوی خمینی ۱۳۷۸، ۱۲: ۴۹۸). بر این اساس، احتمال دارد شیخ مفید با اشاره به فضیلت والای آن حضرت، حکم به اطلاق عصمت در حق او داده و در این مقام او را از دیگر انبیای الهیتفکیک کرده است، اما در باب انبیای دیگر قائل به عصمت مطلق نبوده، بلکه آنان را به مقتضای مراتب علم و آگاهی خود برخوردار از عصمت دانسته است.

احتمال اول صحیح نیست، زیرا شیخ انبیاء و ائمه (ع) را واجد برترین کمالات از جمله علم و عصمت معرفی کرده و آنان را حجت‌های الهی دانسته و هر گونه جهل و گمراهی را از آنان سلب کرده است (مفید ۱۴۱۳-د، ۱۳۰).

احتمال دوم نیز بسیار ضعیف است، زیرا اگر شیخ گناه صغیره سهوی را حقیقتاً گناه نمی‌دانست، هرگز آن را در قسمی از اقسام معاصی قرار نمی‌داد، و در این صورت نظریه او تفاوتی با نظریه جمهور متکلمان امامیه نداشت که تمام انبیاء از آدم تا خاتم را از جمیع معاصی، قبل و بعد از رسالت، معصوم می‌دانند.

به نظر می‌رسد احتمال سوم و احتمال چهارم هر دو صحیح باشند و می‌توان آن دو را با هم جمع کرد. به این صورت که بگوییم شیخ هم حقیقت تشکیکی علم و عصمت را در نظر داشته و بر اساس آن به اختلاف مراتب انبیاء در علم و عصمت اشاره و نظریه‌پردازی کرده است، چنان که آیه شریفه «و تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض»<sup>۱۷</sup> نیز گواه آن است، و شیخ مفید نیز در تبیین عصمت و دامنه آن هم دلایل عقلی و هم شواهد و اخبار نقلی عصمت را ملاحظه کرده و در برخی عبارات بر اساس دلایل عقلی و در برخی دیگر بر اساس دلایل نقلی نظر داده است. هنگامی که او انبیاء و ائمه را به طور مطلق معصوم معرفی می‌کند، صرفاً به دلایل نقلی توجه دارد، ولی وقتی حکم به جواز صدور معاصی صغیره سهوی و ترک مستحبات یا حکم به توقف می‌دهد به حکم عقل عنایت دارد؛ چون به حکم عقل و دلایل عقلی عصمت انبیاء پس از منصب نبوت و امامت ضروری است، اما عقل به زمان قبل از آن حکمی ندارد.

## ۶. ملاحظات انتقادی در باب دیدگاه شیخ مفید

یکی از اشکالاتی که در نظریه شیخ مفید وجود دارد این است که او در باب عصمت انبیاء در بُعد عمل قائل به تفکیک و تفصیل معاصی شده و تنها صغائر سهوی را قبل از بعثت برای انبیاء جایز دانسته است، بدون این که دلایل عقلی و نقلی بر این جواز اقامه کند یا به ذکر نمونه‌ای از این صغائر سهوی بپردازد. اگر دلایل عقلی و نقلی او بر عصمت انبیاء قادرند عصمت از هر گونه خطا و معصیت را اثبات کنند، پس نمی‌توان به جواز صدور معاصی صغیره سهوی بر انبیاء حکم کرد. زیرا همان گونه شیخ مفید خود اشاره کرده است، منشأ هر گونه گناه و خطا و نسیان جهل و غفلت است، و انبیاء به صراحت آیات قرآن (النجم: ۳-۴) با وحی ارتباط و اتصال کامل دارند و از نفوذ شیطان مصون‌اند (الحجر: ۱۵). در نتیجه هیچ جهل و غفلتی دامن‌گیر آنان نمی‌شود. از طرف دیگر، شیخ مفید بر اثبات عصمت به «لزوم حصول اعتماد بر تعالیم انبیاء» استناد کرده است، در

حالی که نمی‌توان به طور حتم از وجوب وثوق و اطمینان به تعالیم انبیاء و وجوب عصمت را نتیجه گرفت. به نظر می‌رسد چنین تلازم ضروری در تمام شئونات و امور عادی پیامبران وجود ندارد. برای مثال، اگر پیامبر به اشتباه تعداد رکعات نماز را کم یا زیاد اقامه کند، شاید این عمل باعث سلب اعتماد برخی اشخاص شود، اما نمی‌توان ادعا کرد که اشتباه پیامبر در کل امور دنیوی به طور حتم به سلب اعتماد منجر می‌شود. مثلاً اگر پای پیامبر به چوبی برخورد کرد و موجب شکستگی آن شد، چنین حادثه‌ای ضرورتاً موجب سلب اعتماد نیست. به نظر می‌رسد با برهان تسلسل نیز نمی‌توان تمام مراتب عصمت انبیاء به ویژه عصمت در امور عادی و غیردینی را اثبات کرد؛ هرچند ممکن است بتوان عصمت در امور دینی و وحیانی مانند دریافت، تبلیغ و عمل به وحی را ثابت کرد. بنابراین لازم است برای اثبات عصمت در امور عادی و غیردینی از براهین و ادله دیگری بهره گرفته شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

مسئله عصمت و ابعاد آن جایگاهی مهم و اساسی در متون دینی و در باور و عمل متدینان دارد. در بحث «گستره عصمت انبیاء» نظر شیخ مفید با نظر اجماعی متکلمان امامیه در دو مسئله متفاوت است: (۱) صغائر سهوی که موجب استخفاف نمی‌شود؛ (۲) ترک عمل مستحبی. شیخ مفید به اعتبار بُعد نظری، یعنی در ادعای نبوت، دریافت و حفظ و انتقال وحی، معتقد به عصمت انبیاء به طور مطلق است، و در این بُعد تمام انبیاء را بدون استثنا معصوم می‌داند. اما به اعتبار بُعد عملی به تفصیل قائل است. او پیامبر اکرم (ص) را مطلقاً معصوم دانسته و بقیه انبیاء را از آدم تا خاتم در تمام ابعاد عصمت، به جز صغائر غیر عمدی که موجب بی‌مایگی آنان نشود، آن هم قبل از بعثتشان، معصوم می‌داند و همچنین از انبیای الهی غیر از پیامبر اکرم (ص)، قبل و بعد از بعثتشان، ترک مستحبی را که آن هم بدون عذر و تقصیر باشد می‌پذیرد. تکیه شیخ بر عصمت معصومین بر مبنای «قاعدۀ لطف» و «مسئله اختیار» است که بر اساس آنها عصمت انبیاء را لازمه بعثت و رسالت آنان می‌شمارد و برای اثبات آن به دلایل عقلی و نقلی متوسل می‌شود. همچنین نظریه شیخ مفید درباره عصمت تعارض حقیقی با نظریه او در باب علم انبیاء ندارد، بلکه

به لحاظ قول به تشکیکی بودن عصمت و علم و توجه به دلایل عقلی و نقلی شیخ می‌توان تعارض ظاهری را رفع کرد.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

- ابن منظور. ۱۴۰۵ ق. لسان العرب، ج. ۱۴. بیروت: دار لسان العرب.
- احمد بن فارس. ۱۴۱۸ ق. معجم المقاییس فی اللغة. بیروت: دارالفکر.
- حلی، حسن بن یوسف. ۱۳۷۱. باب حادی عشر. تهران: دفتر نشر نوین اسلام.
- حلی، حسن بن یوسف. ۱۴۱۷ ق. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. تحقیق و تعلیق حسن‌زاده آملی. قم: موسسه انتشارات اسلامی.
- خمینی، روح‌الله موسوی. ۱۳۷۸. صحیفه امام، ج. ۱۲. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. بی‌تا. المفردات فی غریب القرآن. تحقیق داودی و صفوان عدنان. بی‌جا: بی‌نا.
- سبحانی، جعفر، و محمد محمدرضایی. ۱۳۹۱. اندیشه اسلامی، ج. ۲. تهران: دانشگاه پیام نور.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۶۵. تهذیب الاحکام. تهران: اسلامیه.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن حسین بن بابویه. ۱۳۹۰ ق. من لایحضر الفقیه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۴۰۷ ق. تلخیص المحصل. بیروت: دار الاضواء.
- عسکری، ابی هلال. ۱۴۱۰ ق. الفروق اللغویه. قم: مکتبه بصیرتی.
- فاریاب، محمدحسین. ۱۳۸۹. «سیری بر نظریه عصمت امام، از آغاز تاسده پنجم هجری». معارف عقلی ۱۵.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵. وحی و نبوت. قم: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-الف. أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات. قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید. چاپ اول.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-ب. الکنز الاعتقادیه. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-ج. الفصول المختاره. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.



مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-ح. رساله سهو النبی. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-د. تصحیح اعتقادات الإمامیه. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-ز المسائل السرویة. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-و. المقنعة. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳-ه. الجملة. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.

### یادداشت‌ها

۱. اللطف واجبٌ خلافاً للأشعرية و الدلیل علی وجوبه أنه يحصل غرض المكلف فيكون واجباً و إلا لزم نقض الغرض.

۲. انعام: ۱۲۴

۳. «فأما نبينا ص خاصة و الأئمة من ذريته ع فلم يقع منهم صغيرة بعد النبوة و الإمامة من ترك واجب و لا مندوب إليه لفضلهم علی من تقدمهم من الحجج ع و قد نطق القرآن بذلك و قامت الدلائل منه و من غيره علی ذلك للأئمة من ذريته (ع)» (همانا پیامبر اکرم به طور خاص و امامان از زریه او (علیهم السلام) هیچ گناه صغیره و کبیره پس از نبوتشان و امامتشان انجام نداده‌اند، این به خاطر فضایل و شرافت و تقدم آنان بر دیگران است و قرآن کریم به این مطلب اشاره فرموده و شواهد و دلائل محکمی از ائمه اطهار علیهم السلام اقامه شده است).

۴. «أنه لا يجوز منهم سهواً في شيء الدين و لا ينسون شيئاً من الاحكام و علی هذا مذهب سائر الاماميه الا من شد منهم.»

۵. «الانبياء و الأئمة عليهم السلام من بعدهم، معصومون في حال نبوتهم و امامتهم من الكبائر و الصغائر...»

۶. «النبي (ص) معصوم من اول عمره و الى آخره عن الذنوب الكبائر و الصغائر عمداً و سهواً»

۷. «الأئمة القائمين مقام الانبياء... معصومون كعصمه الانبياء و انهم لا يجوز منهم الا ما قدمت ذكر جوازه عن الانبياء...» همچنين می گوید: «ان جميع الانبياء الله صلوات الله عليهم معصومون من الكبائر قبل النبوه و بعدها و ما يستخف فاعله من الصغائر و اما ما كان من صغير لا يستخف فاعله فجائز وقوعه منهم قبل النبوه و علی غير تعمد و ممتنع منهم بعدها علی كل حال و هذا مذهب جمهور الاماميه.»

۸. بقره: ۱۶۹؛ اسراء: ۲۶

۹. «هذا النبي اثبتوه معصوماً ام لا؟ فالجواب: معصوم من اول عمره الى آخره عن السهو و النسيان»

۱۰. «لا یقع من الأنبياء ع ذنبٌ بترك واجب مفترض ولا يجوزُ عليهم خطأ في ذلك ولا سهوٌ يوقعهم فيه وإن جاز منهم ترك نفل و مندوب إليه على غير القصد و التعمد...»
۱۱. «فأما نبينا ص خاصة و الأئمة من ذريته ع فلم يقع منهم صغيره بعد النبوة و الإمامة من ترك واجب و لا مندوب إليه لفضلهم على من تقدمهم من لحجج ع...»
۱۲. «...أن نبينا ص و الأئمة ع من بعده كانوا سالمين من ترك المندوب و المفترض قبل حال إمامتهم و بعدها...» (همانا پیامبر ما و ائمه اطهار بعد از آن بزرگوار، از هر گونه ترک مندوبی منزّه و فرمان بردار اوامر الهی قبل و بعد از امامتشان بوده‌اند).
۱۳. علامه حلی نیز به تبع خواجه نصیر طوسی دقیقاً این دلیل را در اثبات عصمت آورده است (حلی ۱۴۱۳، ۴۴۴).

۱۴. انبیاء: ۱۰۱

۱۵. دخان: ۳۲

۱۶. ص: ۴۷

۱۷. بقره: ۲۵۳

